

" شورای دانش جویان و جوانان چپ ایران "

در روزگاری که "نظم نوین بازار آزاد" یگانه‌گی بی‌رقیب خود را با جنگ و فلاکت و ویرانی، با بی‌کاری و تحقیر و ستم در چهار گوشه‌ی جهان فریاد می‌زد، روزگاری که بیش از یک‌صد سال مبارزه‌ی مردم ایران برای تغییر وضعیت موجود، برای آزادی و عدالت و برابری گویی به شکست گرائیده بود، زمانه‌ای که فریب انتخاباتی دیگری در راه بود، مردم و جوانان ایران بار دیگر در بهار سال 88 برای دست گرفتن سرنوشت و زنده‌گی به تاراج رفته‌شان به خیابان‌ها آمدند و تمامیت ستم و تبعیض و ارتجاع موجود را به مبارزه و هم آوردی طلبیدند. این بهاران خلق‌ها در مقطعی رخ داد که گویی هیچ افقی برای تغییرات ریشه‌ای و دگرگونی‌های اساسی موجود نبود و خط رابط خیزش ما با سنت مبارزاتی تاریخی‌مان در اثر سی ساله سرکوب و قتل عام یک نسل از انقلابیون گسسته شده بود. در چنین بستری بود که صاحبان قدرت دیروز و رانده شده‌گان از دارالخلافتی امروز دست بالا را در رهبری جنبش مردم گرفتند و با ملغمه‌ای از توهمات و ایده‌ئولوژی‌های اصلاح طلبانه، منفعلانه و سازش‌کارانه هر آن‌چه توانستند را برای مهار خشم دم‌افزون مردم و جوانان و حفظ نظام موجود و "قانون اساسی" اش انجام دادند. بازتاب طبیعی این خط و ایده‌ئولوژی غیر رادیکال چیزی جز محدود ماندن دامنه‌ی طبقاتی جنبش به خواست‌های اقل‌ت میانی و متوسط شهری آن هم صرفاً در تهران و چیزی جز افول و رکود جنبش پس از تهی شدن خیابان‌ها و به بن‌بست رسیدن تاکتیک‌های غیر رزمنده و ناروشن نبود و در پس این رکود بود که رژیم "دار" و "شکنجه" به سرکوب مضاعف توده‌ها جهت تثبیت موقعیت متزلزل خود پرداخت و دگر بار ابلیس پیروز مست آمد تا سور عزای مردم را به سفره بنشیند.

وقتی دشمن مردم و نماینده‌گان مدارا و ترمیم‌طلبان قدرت خود را بر تظاهرات میلیونی توده‌ها حاکم کرده و خط خائنانه‌ی سازش و کرنش، صلا‌ی تسلیم و عقب‌نشینی سر داد و جوّ یأس و ناامیدی از ایجاد تغییر میل به همه‌گیر شدن داشت، بخشی کوچک اما مصمم از خیل میلیونی توده‌ها سودای آتشی دوباره کرد. آتشی که برافروختن شعله‌های آن برای آغازگرانش دشواری‌ها و مشکلاتی به عظمت تدارک یک جنبش نوین داشت و دارد. سخن از طرح موجی نو بر خلاف جریان عملی و نظری موجود است!

هنوز فریادهای مردم ایران در گوش زمانه گم نشده و خون شهیدان بر سنگ‌فرش کوچه‌های قیام نخشکیده بود که تند باد خیزش این بار شمال آفریقا را در نوردید و سرود پر طنین قیام، خلق‌های جهان عرب را به جشنی واقعی فراخواند. برپایی روزهای خشم و فریاد "الشعب یرید اسقاط النظام" و مقاومت قهرآمیز جوانان رادیکال و ستیزنده تونس و مصر به عنوان موتور محرک و مغز سازمانده قیام دست کم در گام نخست مستبدین را به عقب راند و رویای تغییر تعبیر شد! این مبارزه‌ی توده‌ای برای سرنگونی ارتجاع و استبداد حاکم در کوتاه زمانی در سایر کشورهای منطقه از بحرین و یمن تا اردن سوریه و حتا فراتر از آن در اسپانیا و فرانسه باز تکثیر شد. تحولات خاورمیانه و مبارزات غرور آفرین جوانان عرب ما را سرشار از امید به تداوم پایداری کرد، هم‌چنان‌که ضرورت جمع‌بندی از درس‌های جنبش آنان را پیش پای ما نهاد.

با چنین پیشینه و در چنین بستری بود که در راه تأسیس شورای دانش‌جویان و جوانان چپ ایران گام نهادیم تا فصلی نوین از قیام و مبارزه علیه وضع موجود را آغاز کنیم. فصل نوینی که ریشه‌های خود را در

یکصد سال رزم تمام عیار مردم ایران علیه ستم و تبعیض و استثمار استوار می‌بیند. در انقلاب مشروطه و جنبش جنگل، در شورش دیروز و امروز خلق‌های سراسر ایران از کردستان و آذربایجان تا بلوچستان و خوزستان، در جنبش ملی شدن صنعت نفت و 16 آذر ضد کودتای سال 32، در کنفدراسیون دانش‌جویان و محصلین خارج از کشور، در جنبش مسلحانه‌ی دهه‌ی 40 و 50 تا قیام شکوه‌مند بهمن، در سال‌های سراسر رزم و فدای دهه‌ی خونین 60 تا 18 تیر 78؛ آری! در مبارزه‌ی هر روزه و هر لحظه‌ی جنبش‌های کارگران، زنان و دانش‌جویان ایران، در مبارزات رهایی‌بخش و ضد سرمایه‌داری خلق‌های سراسر جهان از کمون پاریس تا میدان التحریر.

"شورای دانش‌جویان و جوانان چپ ایران" هدف خود را دفاع از یک خط انقلابی متشکل از نیروها و واحدهای سوسیالیستی، کمونیستی، فمینیستی و دیگر نیروهای مترقی و ایجاد یک بلوک سیاسی چپ در سپهر سیاست امروز، جهت مداخله در تعیین سرنوشت جامعه می‌داند، جامعه‌ای که از حاکمیت سیاسی استبدادی و مناسبات اقتصادی استثمارگر رنج می‌برد و برای رهایی خود ناگزیر از فعالیت هدفمند و سازمان‌یافته برای در هم شکستن نظام سیاسی موجود یعنی رژیم جمهوری اسلامی و دگرگونی ریشه‌ای کلیه‌ی ساختارهای ستم‌گرانه و تبعیض‌آمیز و ارتجاعی به شکل انقلاب اجتماعی است. هم‌چنان که تلاش و تدارک برای تشکیل فدراسیونی از جوانان چپ هم‌واره مورد توجه شورا بوده و خواهد بود و تشکیل چنین فدراسیونی افق سازمانی مطلوب ما برای سازماندهی و کنش جمعی نسل نوین کنش‌گران رادیکال و انقلابی است.

در آغازگاه این راه "بی‌برگشت" دست یاری رفیقانه‌ی خود را به سوی تمامی جوانان، دانش‌جویان و نیروهای رادیکال، مترقی و انقلابی می‌دهیم تا با ما و در فضایی برابر و دموکراتیک به ارتقاء نظری و عملی ایده‌های انقلابی و تغییر تمامیت توحش موجود بپردازند. ما با نگاه به آینده، وظایف را به شور می‌نشینیم و دست در دست هم راه نوینی را خواهیم گشود. راهی که در آن واژه تغییر با انقلاب معنی شود و ستم طبقاتی، جنسیتی، نژادی، مذهبی، و ... از معنی تهی گردد. راهی که امکان و ظرفیت برخورد آراء متضاد را ارتقا دهد و سطح دیگری از مبارزه جمعی برای رهایی را معنی کند. راهی که به آزادی و امکان رهایی پرتو افکند. در آغازگاه این راه ایستاده‌ایم تا یک بار دیگر فریاد برآوریم:

زنده است باد!

تازنده است باد! طوفنده است باد!

شورای دانش‌جویان و جوانان چپ ایران

www.leftfederation.blogspot.com

iranianfederation@gmail.com

سی خرداد 1390